

بخش دوم

پونديهوديان

با فرهنگ ايران زمين



پروفسور امنون نتصر در این
بخش از گفت و گوها به
بیان پیشینه تاریخی یهودیان
ایران و سهم فرهنگی آنان
در این سرزمین می پردازد

گفت و گوی بیست و پنجم

لجه های محلی یهودیان ایرانی، یک گنجینه مهم فرهنگ ایران زمین



در خانه یک خانواده یهودی پس از جنگ جهانی اول (احتمالا در تهران یا اصفهان)

پرسش - ما همچنان از شما درخواست می کنیم که نمونه هائی از سروده ها و اشعار فولکلوریک یهودیان ایران را ارائه دهید که علاقمندان در این باره آگاهی های بیشتری داشته باشند.

پاسخ - در مورد فرهنگ مردمی در بین یهودیان ایران می توان سخنان بسیار گفت. زنده نام دکتر سارا سرودی استاد دانشگاه عبری اورشلیم که در امور یهودیان ایران پژوهش می کرد ، مقاله مفصلی را در یکی از شماره های نشریه "ایران - جودائیکا" انتشار داد که در آن سرودهای جشن عروسی ، آن گونه که در بین یهودیان ایرانی رواج داشته و دارد ، مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است.

اجازه دهید درباره برخی آئین های شب شنبه در بین یهودیان ایران سخن بگوئیم. شب شنبه و روز شنبه در باور یهودیان مقدس است و در آن شب افراد خانواده باید دور هم جمع شوند

و شام را در کنار هم و همراه با سرودهای شاد و ویژه این شب صرف کنند. روز شنبه نیز یهودیان باید برای نیایش به کنیسا بروند و پس از بازگشت صحبانه ویژه شنبه بخورند و در طول روز به آموختن دانش دینی مشغول باشند و به دید و بازدیدهای خانوادگی بپردازند.

از هنگام غروب آفتاب در روز جمعه و تا لحظه ای که ستارگان در روز شنبه در آسمان ظاهر می شوند، کار کردن برای یک باورمند یهودی ممنوع است و او باید از دنیای مادیات بیرون آمده و در عالم معنویات سیر کند. شنبه برای یهودیان، نه تنها روز نیایش و استراحت است، بلکه روز شادمانی نیز هست. در دوران قدیم در خانه هر یهودی یکی دو کتاب دست نویس پیدا می شد که شامل اشعار شاعران یهودی ایرانی به خط عبری بود.

یهودیان پس از آن که در ساعات بامدادی روز شنبه در پایان نیایش سنتی و دینی از کنیسا (عبادتگاه خود) به خانه باز می گشتند، سفره صبحانه گسترده می شد و خوراکی های ویژه صبح شنبه را به روی آن می چیدند. این خوراک ها از یک روز پیش آماده شده بود، زیرا در روز شنبه یهودی نباید به آتش دست بزند و به پخت و پز بپردازد و یا کار کند.

یکی از خوراک های ویژه یهودیان اصفهان "گیپا" نام دارد که فردای روزی که پخته شده (یعنی روز شنبه) صرف می شود و این ماندن آن احتمالا در خوشمزه تر ساختن خوراک موثر است. "تخم مرغ شباتی" (مربوط به روز شنبه) تخم مرغی است که روز جمعه هنگام پختن غذا به دیگ اضافه می کردند و ساعت ها همراه با خوراک پخته می شد و طعم خاصی به خود می گرفت. این خوراک ها را در سفره غذا می چیدند و همراه با صرف آن و یا پس از صبحانه به خواندن اشعار شاهین و دیگر شاعران یهودی می پرداختند. گاهی هم اشعار خود شاعران ایرانی را مانند فردوسی و حافظ می خواندند که سروده های آن ها را نیز بیشتر به خط عبری نگاشته بودند.

یک نمونه از شعرهای فولکلوریک یهودیان اصفهان در وصف "گیپا" سروده شده که گفتیم صبحانه ویژه روز شنبه است. این شعر را به لهجه یهودیان اصفهان می سرایند که لطف ویژه ای به آن می دهد. این شعر را با آهنگ ویژه خودش همگی دسته جمعی می خوانند:

شبات، شباتِ نوا بو	هوسِ دلمِ گیپا بو
هفتا گیپام وِر بسته	از زحمتاش، حُم خسته
یکیشا ملی بش برته	یکیشا ملا بش برته
شیفرا ورو تو یایینا وار	
یایین که شیفرا وارو	بد مستیا نِدارو
یارم یارم کو آوو	محلّه حزقییا وو

در مورد شیوه تلفظ واژه ها به لهجه یهودیان اصفهان این توضیح را ضروری می دانم که آن ها حروف سایشی، یعنی سین - ز - ضاء - ضاد - ث و صاد را در حالی تلفظ می کنند که نوک زبان را به دندان بالائی می چسبانند. ولی این شیوه بیان ویژه یهودیان اصفهان نیست، بلکه چنین آوایی از نظر فونتیک در زبان فارسی باستان نیز وجود داشته و حتی امروز نیز در پاره ای

از نقاط ایران، به ویژه در میان زرتشتیان متوجه می شویم که آنان حروف سایشی را به همین شیوه تلفظ می کنند.

در شعر بالا ضمن ستایش روز شنبه، سراینده می گوید که هوس یک غذای سنتی را به نام گیپا کرده بود و هفت گیپا را می پزد و از زحمت آن خسته می شود. در این میان یک گیپا را گربه می خورد و یکی را ملا با خود می برد. واژه "مِلی" به مفهوم گربه یک واژه ناب فارسی است و حتی امروز نیز در برخی سرزمین ها مانند افغانستان که در آن جا پارسی دری صحبت می کنند، به گربه "مِلی" می گویند. در برخی نقاط هندوستان نیز که با زبان سانسکریت ارتباط دارد، هنوز گربه را "مِلی" می نامند.

سراینده شعر خطاب به کدبانوی خانه که "شیفرا" نام دارد می گوید که برود و یابین (Yayin - شراب) را بیاورد. سخن از شراب شیرین شنبه است که الکل ضعیفی دارد و با آن نیایش روز شنبه را انجام می دهند و شاعر تاکید می کند که "این شراب بد مستی ندارد".

در پایان این بند از شعر، شاعر می پرسد که یارش در کجاست، و خود در پاسخ می گوید که او در محله ای به نام حزقیاست. که چنین محله ای واقعا در جویباره که سکونت گاه یهودیان اصفهان می باشد وجود داشته است.

روز شنبه، روز شادمانی یهودیان بود.

در این فرصت بگویم که لهجه های یهودیان نقاط مختلف ایران نیز خود یک مبحث تحقیقی است که باید روی آن کار شود.

در گذشته یک استاد فرانسوی به نام رتوبن ابرامیان در سال ۱۹۳۶ روی لهجه یهودیان همدان و اصفهان پژوهش هائی انجام داده است. همچنین پروفیسور احسان یارشاطر مدتی روی لهجه یهودیان کاشان کار تحقیقاتی انجام داده است. پروفیسور ژیلبر لازار (Gilbert Lazard) از دانشگاه سوربون در پاریس به پژوهش لهجه یهودیان کرمان پرداخته و من هم در نخستین شماره "ایران و جودائیکا" مطالبی درباره لهجه یهودیان اصفهان انتشار دادم.

پرسش - آیا منظور شما آن است که پژوهش درباره لهجه های یهودی در ایران می تواند به شناخت زبان ها و یا شاخه های دیرین زبان پارسی کمک کند؟

پاسخ - بدون شک می تواند همین باشد. شما یک یهودی ایرانی را در کنار یک زرتشتی ایرانی قرار دهید، می بینید که خیلی یهودی ها ممکن است تصور کنند که زرتشتیان در واقع به لهجه یهودی صحبت می کنند - در حالی که این طور نیست.

درست است که در زبان یهودیان ایران پاره ای از واژه های عبری نیز به کار برده شده، ولی این شبیه آن است که ما واژه هائی چون تلویزیون و تلفن را که از زبان های اروپائی گرفته ایم در مکالمات خود به کار می بریم. ولی این باعث نمی شود که فارسی به یک زبان اروپائی مبدل گردد. صحبت از شماری واژه هائی است که از زبان های دیگر به عاریه گرفته و وارد زبان فارسی کرده اند.

در لهجه های یهودیان ایرانی نیز شماری واژه های عبری قاطبی شده که اکثراً واژه هائی دارای مفهوم دینی است. ولی عصاره و اصل لهجه های یهودی برگرفته از فرس قدیم (زبانی که در دوره ساسانیان به آن سخن می گفتند) و زبان های ایرانی است. شباهت ها در حدی است که شما می توانید یک یهودی اصفهانی را با یک زرتشتی روبرو کنید و آن ها می توانند به راحتی با هم سخن بگویند.

وانگهی، اگر شما به دهات دور و بر اصفهان بروید، مثلاً شهرک سیده که بعدها آن را همایونشهر نامیدند، زفره، ورتوم، یا سگزیس، هنگامی که حرف زدن آن ها را بشنوید، ممکن است تصور کنید که آنان به لهجه یهودی محلی سخن می گویند. ولی این گمان درست نیست، زیرا فردی که همیشه در ده خویش بوده و ارتباطی با نقاط اطراف از نظر فرهنگی نداشته و یا رادیویی نبوده که روی زبان او تاثیر بگذارد، احتمال زیاد می رود که او زبان دوران ساسانیان را تا حدود زیادی حفظ کرده و هنوز به آن تکلم می کند. یهودیان نیز چون در چهاردیواری محله مخصوص خودشان زندگی می کرده و با دنیای خارج کمتر ارتباط داشته اند، آن ها هم زبان قدیم را به مقدار زیادی حفظ کرده اند.

حیف است واقعا که با مدرنیزه شدن زندگی امروز و در عصر رادیو و تلویزیون و کامپیوتر و بیرون آمدن یهودیان از محله های تنگ و محدود گذشته و زندگی در محله های نوساز و مرفه شمال شهر تهران و اصفهان و شهرهای دیگر و اصرار به این که با فرزندان خود به زبان فارسی امروزی و به لهجه استاندارد تهرانی و به شیوه رادیو و تلویزیون سخن بگویند، یهودیان شهرهای مختلف ایران به تدریج لهجه های ویژه محلی را به دست فراموشی می سپارند.

از دیدگاه من، این یک فقدان و شاید یک مصیبت بزرگ فرهنگی است. باید هر چه زودتر در گردآوری و ثبت و نگاهداری لهجه های محلی یهودی که نشانگر قدمت یهودیان ایران است، و در واقع از قدمت سرزمین ایران نشان دارد، تلاش کرد - پیش از آن که دیر شود و قبل از آن که دیگر کسی نماند که بتواند به این لهجه ها سخن بگوید.

پرسش - شوربختانه این یک روند طبیعی در سراسر جهان است که هر اندازه رسانه های گروهی گسترده تر می شود، شاهراه ارتباطی (اینترنت) گسترش می یابد و موسیقی جنبه جهانی به خود می گیرد، فرهنگ قدیم و مردمی کم و بیش به دست فراموشی سپرده می شود. آیا ممکن است یکی دو نمونه دیگر از اشعار شاعران یهودی ایران را برای ما بخوانید؟

پاسخ - شاعری به نام سیمانطوب مَلَمِد داریم که در اصل زادهٔ عراق بود. او به مشهد نقل مکان کرد و در آن جا چشم از جهان فرو بست و آن در تاریخ ۱۸۲۸ میلادی بود. یعنی یازده سال پیش از آن اتفاق ناگواری که برای یهودیان مشهد روی داد و پس از کشتن شماری از آنان، بقیه را مجبور کردند مسلمان شوند و نام "جلید اسلام" بر آن ها گذاشتند.

این فرد شاعر ورزیده ای بوده و از قرار معلوم در سلک اهل تصوف قرار داشته است. علت آن است که سروده های او همه حال و هوای تصوف دارد. یک اروپائی به نام "ژوزف وولف" (Joseph Wolf) که در آن دوران گذارش به مشهد می افتد، در خاطرات خود می نویسد که

شمار زیادی از یهودیان مشهد اهل تصوف هستند. این سیاح که یهودی زاده بوده و در آلمان چشم به جهان گشوده بود، به انگلستان می رود و دین مسیح را می پذیرد و با اشتیاق به تبلیغ این دین می پردازد و در چارچوب سفرهای تبلیغی خود در ایران به مشهد نیز می رسد تا شاید افرادی را مسیحی کند. در آن هنگام، یهودیان در کانون توجه مبلغان مسیحی قرار داشتند.

بسیار جای تاسف است که خود یهودیان آثار و اسنادی در مورد صوفیگری برای ما باقی نگذاشته اند که بتوان تحقیقات جامعی در این راستا انجام داد.

برگردیم به سیمانطوب ملمد که "طوبیا" تخلص می کند و مایلم سه بیت از غزلیات او را بخوانم:

خیر خواه و پیشوا،	ساک و هم مقتدی
هادی گم کرده راه،	صوفیانند، صوفیان
خوش ادا و پر عطا،	مقبل شاه و گدا
عفو خواه هر خطا،	صوفیانند، صوفیان
مست جام درقصرجان،	از عشق دیدار نهان
داده کف ها از عنان،	صوفیانند، صوفیان

می بینید چگونه این شاعر یهودی، تصوف و صوفیان را به عرش اعلی رسانده است. از دیدگاه او یک انسان کامل کیست؟ انسان کامل کسی است که به درجه یک صوفی و مقام تصوف نائل شده است. این است پیام آن شاعر یهودی مشهدی.